موش با لحن خشنی گفت:

«آنرا تأیید کرد، البته شما باید معنی آنرا بفهمید.»

مرغابی گفت:

«البته من هر وقت چیزی پیدا می‌کنم، معنی آنرا خوب می‌فهمم. آن معمولاً یك قورباغه یا کرم است. ولی سؤال اینست که اسقف اعظم چه چیزی را متوجه شد؟»

موش بدون آنکه توجهی به این سؤال بنماید، بی‌درنگ سخنانش را ادامه داد:

«تأیید کرد که ملاقات با ویلیام و تاجگذاری او اقدام مناسبی است. رفتار ویلیام در ابتدا متعادل بود. اما گستاخی نورمن‌ها...» و در حالی که رو به طرف آلیس کرده بود گفت:

«راستی عزیزم، شما در چه حالی هستی؟»

آلیس با حالت خمارآلودی پاسخ داد: «کاملاً خیس هستم. مثل اینکه هیچ اثری از خشك شدن نیست.»

دودو* با حالت محجوبانه‌ای از جایش بلند شد و گفت:

«در این صورت من به سراغ گروه دیگری می‌روم برای اینکه

* دودو نام مرغ درشتی است که قادر به پرواز نبوده و در جزیره مورتیوس دیده شده بود و بعدها نسل آن از بین رفت.

راه‌حل‌های پرتحرکی دارند...»

جوجه عقاب گفت:

«به زبان انگلیسی صحبت کنید! من معنی بیشتر این جملات را نفهمیدم، و از این گذشته خیال نمی‌کنم شما هم فهمیده باشید!» و جوجه عقاب سرش را به پائین خم کرد تا خنده‌اش آشکار نگردد: صدای خنده تعدادی از دیگر پرنده‌ها هم به گوش می‌رسید.

دودو با لحن آزرده شده‌ای گفت:

«چیزی که من می‌خواستم بگویم این بود که بهترین راه برای خشك شدن مسابقه دویدن است.»

آلیس پرسید:

«منظور شما از مسابقه دویدن چیست؟» نه به خاطر آنکه می‌خواست بیشتر بداند، بلکه به آن خاطر که دودو مکث کرده بود تا یك نفر دیگر صحبت کند و ظاهراً هیچکس تمایلی به صحبت کردن نشان نداد.

دودو گفت:

«چرا که، بهترین راه برای توضیح دادن آن، انجام دادن آن است. اول باید برای مسیر مسابقه یك شکل دایره‌مانند تعیین کنیم و سپس همهٔ افراد گروه روی خط دایره قرار بگیرند. جلو و عقب ایستادن اشکالی ندارد ولی همه باید با هم شروع به دویدن کنند و در آخر بازی هم همه با هم از حرکت